

## دادگستری در ایران از انقراض ماسانی

### تا ابتدای مشروطیت

(۸)

تشکیل وزارت عدلیه سالی که میرزا آقاخان نوری از صدارت عظمی خلع شد (۱۲۷۵ ه. ق) اختیارات صدراعظم میان چندتن وزیر توزیع گشت، به دلالت میرزا جعفرخان مشیرالدوله که از قدیمترین دانشجویان اعزامی ایران به لندن در دوره عباس میرزا بود نخستین هیأت وزرا یا شورای دولتی یادادالشورای کبرای دولتی تأسیس شد که میرزا جعفرخان مشیرالدوله بر آن ریاست داشت. موافق این ترتیب جدید شش وزارت خانه تشکیل شد که عبارت از داخله و جنگ و خارجه و مالیه و عدلیه و وظایف باشد و هر يك از این وزارتخانهها

وزیر مستقلی داشت که بطور مستقیم با شاه مربوط بودند چندماه بعد از آن وزارت علوم بر آنها افزوده شد که علینقی میرزای اعتضادالسلطنه پیش از آن هم بدون عنوان وزارت بدان میرسید و پس از این تا اواخر قرن گذشته که حیات داشت وزیر علوم بی منازع و دغدغه عزل بود.

**تأسیس مصلحت** معمولاً در سفر نامه‌ها و آثار مربوط به عهد فتحعلی خانۀ شاه «پارلمان» را به «مصلحت خانه» ترجمه

میکردند و این لفظ در این معنی نوظهور مفهوم فارسی زبانان میشد یکسال بعد از تأسیس هیأت وزرا باز به دلالت مشیرالدوله یک مجلس مشورتی از رجال دولت به نام مصلحت خانه تشکیل یافت که اعضای آن مقرر بود همه روزه از صبح تا عصر در مجلس مخصوصی بنشینند و در مهام کشور و لشکر گفتگو نمایند و انتظام کلیه امور و آسایش و رعیت و آبادی مملکت و ترقی دولت را در مد نظر داشته باشند.

**دیوان مظالم** در سال ۱۲۷۷ هـ. ق ناصرالدین شاه دیوان مظالمی علاوه بر دیوان عدالت عظمی به تقلید ملوک قدیم تأسیس کرد و مقرر بود که صبح روز یکشنبه از هفته را خود در ایران بنشیند و بارعام به عارضین و شاکیان از هر صنف و ملت بدهد. دیوان مظالم در حقیقت محکمه عالی وزارت عدلیه بود که شاه در آن دادرسی مطلق بود و وزیر عدلیه معتمدالدوله جهانشیر و نایب‌الصدر که معاونت او را داشت در روز دیوان مظالم از صبح زود کاغذ و قلم و دفتر به دست حاضر بودند که شاه تکلیف عارضان را معین کند و حکم آن را به وزیر بگوید و نایب‌الصدر هم ثبت عرایض و احکام صادره را بکند.

در این روز که ناصرالدین شاه میخواست با مردم شاکی ناراضی

روبرو شود از بیم تجدید حادثه ده سال پیش که در راه شمیران اتفاق افتاد کلیه احتیاطات لازم را مراعات میکرد و فوج قراول مخصوص و عده تفنگداران خاصه مسلح حاضر میشدند و گروهی از پیشخدمتان و فراشان خلوت در محل بار به تنظیم و ترتیب شاکیان میپرداختند در متن دستور العمل برای مزید احتیاط قید شده بود :

«اگر از عرضه چیان در محل اجتماع قیل و قالی شود مورد تنبیه سخت خواهند شد. باید اعلام کرد به آنها که در وقت اجتماع در عرض و غیره ساکت باشند عرض از رسیدن به عرض عارضین رفع ظلم از مظلوم است تا اینکه هر کس با خیال خود شبها فکر کرده در آن روز عرض کند. مثلاً خواهش موجب و اضافه مستمری و تیول بی معنی کند. باید اعلام کنند هر کس اینگونه عرضی کند همان در حضور مورد تنبیه خواهد شد. چون منظور نظر مبارک غوررسی و رفع ظلم و اجحاف از ضعفا و مظلومین است لهذا هر کس در ولایت بعیده باشد و دسترس به دربار همایون نداشته باشد باید عرض خود را در عریضه ای نوشته سرش را بسته سر به مهر به ضابط چاچار همان ولایت بسپارد که او هم بی آنکه کسی مطلع شود سر بسته عریضه آن کس را به چاچار بدهد که در جزو نوشتجات ولایات به عرض خاکپای همایون برسد و موافق عدل و انصاف حکم شود.»

عباسقلی خان معتمدالدوله جوانشیر نخستین وزیر عدلیه در سال ۱۲۷۸ هـ ق مرد و برای جلوگیری از ممالاشی شدن این دستگاه نو بنیاد از طرف شاه به برادر او محمد ابراهیم امین دیوان دستخطی داده شد که چون :

«اموراتی که محض دولتخواهی با کمال صدق و حق مرحوم معتمدالدوله گذرانیده و حکم داده است باید مجری و ممضی باشد و تغییر و تبدیلی نپذیرد لهذا امر و مقرر میفرمائیم که اگر کسی بخواهد حالا تصرفی در احکام صادره آن مرحوم نموده تغییری بدهد آن مقرب الخاقان بالصراحه بعرض خاکپای همایون برساند رفع تصرف و تغییر احکام صادره سابقه بکند.

همچنین اموراتی که راجع به آن مرحوم و مخصوص دیوان عدلیه بود و تا حال نا تمام مانده آن مقرب الخاقان به اتمام رساند.

جنبه تشریفات و تظاهرات به خیر در این موارد غالباً بیش از حقیقت و واقع بوده و نباید بهره‌چشمی نوشته و ضبط و چاپ و نشر شده اعتماد کامل کرد زیرا با مقایسه اینگونه دستورالعمل‌ها با کارهای انجام گرفته بخوبی معلوم میشود که این اصلاحات جنبه قولی بیش از فعلی داشته است و هرگز در سندی و مدرکی داخلی یا خارجی منعکس نشده که در نتیجه شکایت از متنفذی دیوان مظالم کاری منطبق بر حق و عدالت انجام داده باشد.

در حقیقت عدلیه در نظر صاحب کار اصلی تا مرتبه فراش حضوری جهت اجرای احکام صادره عرض ماهیت میکرد چنانکه در سال ۱۲۷۹ هـ ق حاجی علیخان مراغی مقدم که قبلاً حاجب الدوله و فراش باشی در خانه شاهی بود متعهد مهام وزارت عدلیه شد و کسی که ده سال پیش از آن در باغ فین کاشان و ظیفه میر غضبی را درباره میرزا تقیخان فراهانی انجام داده بود ترازوی عدالت را به دست گرفت.

**دستورالعمل عدلیه** نخستین دستورالعمل جامعی که برای ترتیب کارهای وزارت عدلیه از طرف ناصرالدین شاه صادر

شد در وزارت این وزیر تازه بود این دستور بادیاچه فریبنده و زمینده‌ای آغاز میشد:

« از آنجا که عدل و انصاف و رفع ظلم و اعساف همواره منظور نظر معدلت اتصاف همایون است که دست ظالم از تعدی بر مظلوم کوتاه گردد و اساس ظلم و فساد تباه شود و حصول این مأمول خجسته در نظر انور همایون به استحکام عمل دیوان عدلیه اعظم منوط و مربوط آمد لهذا حکم همایون بدین منوال به شرف نفاذ مقرون گردید... » در این دستور که برای تعیین تکلیف عدلیه و مردم و مقامات دولتی تنظیم شده باز «محض تقویت حاکم دارالخلافة از جانب سنی الجوانب همایون امر و مقرر میشود که اهالی دارالخلافة و توابع مختار هستند در اینکه عرض (شکایت) خود را به دیوان عدالت بیاورند یا نزد حاکم و وزیر دارالخلافة ببرند.»

بدیهی است صدور چنین دستوری که در حکم نقض استقلال عدلیه محسوب میشود نشان میدهد که در ضمن هر گونه تحول متناسب با درخواستهای عصر کمال مراقبت را داشتند که بر اساس اختیارات مغضوب و موروث هیأت حاکمه خدشه‌ای وارد نیاید.

**عدلیه های ولایات** در شق دوم از فصل دوم دستورالعملی که حاجب الدوله مأمور اجرای آن بود تکلیف عدلیه باحکام ایالات و ولایات یا به تعبیر مصطلح آن عصر « ممالک محروسه » چنین معین میشود:

«نظر به اینکه اجرای حقوق ذوی الحقوق و رفع ظلم و دفع جور پیوسته مرکز ضمیر منیرهما یون است لازم بود مانند دارالخلافه در هر ولایتی نیز دیوانخانه‌ای با اجزاء و اسباب آن از جانب دیوان عدلیه اعظم مقرر گردد که طی دعاوی مردم بالتمام در آنجا بشود و همیشه روزنامه کل به دیوان عدلیه اعظم برسد که امنای دیوان عدالت ثبت و ضبط کنند تا پس از این دعاوی گذشته را در هر جا که باشند دوباره نتوانند از سر بگیرند و مزاحمت به اولیای دولت یا به طرف متنازع برسانند.»

**تجدید نظر در دو سال بعد گوئی آتش هوای مشورت و مصلحت**  
**تشکیلات مملکتی و معدلت فرونشست و در دستخط تازه چنین تصریح**  
 کردند :

«اصل مهام دولتی عبارت از وزارتخانه های سه گانه عسکریه و مالیه و خارجه است.» و از وزارت های دیگر ذکر خیری نرفت. سر رشته اختیار کارها را به دست میرزا یوسف مستوفی و میرزا محمد سپهسالار و میرزا سعیدخان انصاری سپردند که بی منازع هر یک در کار خود بطور مستقل و بدون مسئولیت مشترک مسؤل مقام سلطنت باشند و وزارت عدلیه را که در مقدمه دستورالعمل دو سال پیش آنهمه توصیف و تعریف از آن شده بود جزو کارهای درجه سوم مملکتی به حساب آوردند.

**جمع و تفریق** اما این طبقه بندی چندان دوامی نیافت و دریافتند که هر کاری به خودی خود واحد اهمیت خاص است و باز تغییر نظر دادند و کلیه امور مملکتی را به نه (۹) وزارت و چند اداره مستقل تقسیم کردند که وزارت عدلیه در جزو آنها به حاجی محمد قلی خان نامی محول و مفوض شد که بر حسب دستخط جدید لازم بود: